

تظلم حضرت صدیقه کبری(س) در روز قیامت
با پیراهن خونین سیدالشهداء(علیه السلام)

علی راستی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱)

چکیده

از مهمترین وقایع تلخ جهان از خلقت تا ظهور، واقعه عاشورا و ذبح پسر پیامبر(ص) است که در غالب ظلمی نمایان بر حقیقتی آشکار شکل گرفت. در عاشورای سال ۶۱ مردم برای اصلاح بدعت‌های بنی‌امیه در دین و هدایتشان هزاران نامه به سرور و سالار خود نوشتند ولی در واپسین لحظات او را تنها گذاشتند. به گواهی تاریخ حضرت زهرا(س) پیراهنی به حضرت زینب(س) داد و آن حضرت نیز پیراهن را در زمان میدان رفتن به جگر گوشه خود تقدیم کرد. آن پیراهن به سرقت رفت و با درخواست حضرت علی بن حسین(علیه السلام) به ایشان عودت داده شد. این پیراهن قطع به یقین پیراهن خون‌خواهی حضرت صدیقه طاهره(س) خواهد بود.

کلید واژه‌ها: پیراهن خون‌آلود، دادخواهی حضرت صدیقه طاهره(س)، نماد عاشورا.
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

واقعۀ عاشورا، که ظهور علم و اراده انسان کامل است، به تبع جمعیت انسان کامل، جامع ابعادی بی‌شمار است. مصیبت و رنج، جهاد و حماسه، و عشق و عرفان را می‌توان از جمله این ابعاد دانست. هر چند از منظر وحدت، عشق و معرفت مقدم بر حماسه و مصیبت است و هر یک از این دو شأنی از انسان کاملی هستند که جمع جمیع مراتب خلقی و حقی کرده است؛ اما از منظر سلوکی و سیر از کثرت، که مشخصه اصحاب و یاوران اباعبدالله الحسین علیه السلام است، راه ورود به جهاد و حماسه مشارکت در مصیبت حضرت است، چه اینکه این جهاد و حماسه خود گذرگاه وصول به مرتبه وحدتی است که مشخصه آن عشق و معرفت به انسان کامل است. این واقعۀ حماسه‌ای سلوکی متفاوت از حماسه امام علیه السلام است که ظهور اجتماعی اطلاق و جمعیت اوست. همچنین، عاشورا تجلی‌گاه عشق امامی عارف به خدای خود و محل ظهور عشق یارانی سالک به امام خود است (کرمانی، ۱۳۹۶: ۱۰۳-۱۲۸).

نهضت عاشورا در تاریخ اسلام، نقطه عطفی است که از جنبه‌های گوناگون، آغازگر تحولات در ساخت، بافت و اندیشه جامعه مسلمان بوده است. برخی از این تحولات مهم و محسوس را می‌بایست در نحوه و چرایی اقبال دگرباره وسیع مردم به خاندان هاشم، چگونگی اندیشه و نحوه رویارویی آنان با حاکمان اموی، و به تبع آن، تحکیم و بسط پایه‌ها و نگره‌های سیاسی شیعی و تغییر فضای جامعه آن زمان دانست. از این‌رو جریان‌شناسی سیاسی بنی‌هاشم می‌تواند زوایای این مسئله را روشن کند. بدین منظور بررسی این موضوع از سال ۶۱ (همزمان با واقعۀ عاشورا) آغاز می‌گردد و تا سال ۱۴۶ (زمان سرکوب قیام حسینیان به دست منصور عباسی) ادامه می‌یابد که دوره‌ای ۸۵ ساله است (آقاجانی قناد، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۱۲۸).

واقعۀ عاشورا در تمام حوادثی که از فجایع بشری سراغ داریم، هنوز تک و بی‌همتاست و نظیری ندارد. همان‌طور که روایت شده است: «لَا يَوْمَ كَيَوْمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ»؛ هیچ روزی مثل روز تو، مثل روز عاشورای تو، مثل کربلا و مثل حادثه تو نیست (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴).

واقعه عاشورا دارای لایه‌های متعددی است که هر یک مورد توجه قشر خاصی از اندیشمندان قرار گرفته است. جامعه‌شناسان بر مؤلفه‌های جامعه‌شناختی، روان‌شناسان بر بازخوردهای روان‌شناختی و دین‌شناسان به نتایج و حواشی دینی آن نظر داشته‌اند. شاعران نیز با نگاه عاطفی، و یا وطنی و حماسی ابیاتی در این زمینه سروده‌اند. صفی‌علی‌شاه و شاگرد او عمان سامانی در دو کتاب *زبده الاسرار* و *گنجینه الاسرار* با تفصیل حداکثری و با بیانی صرفاً انفسی و عارفانه، به تبیین و ترویج واقعه عاشورا و نهضت حسینی پرداخته‌اند (خراسانی، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۷).

پژوهش حاضر بر آن است تا ضمن معرفی صفات برجسته حضرت از جنبه خون‌خواهی و عدالت‌خواهی حضرت صدیقه طاهره (س) در روز قیامت و پاسخ حضرت دوست مطالب مختصری به رشته تحریر درآورد. امید است در قبال اقیانوس بی‌کران ابعاد واقعه کربلا و صفات فضیله حضرت سیدالشهداء مورد توجه حضرت حق قرار گیرد.

حسین بن علی (ع)

حسین بن علی (ع) کیست: او در روز پنجشنبه سوم شعبان سال چهارم هجری در مدینه منوره متولد شدند. جد ایشان؛ سرور کاینات، مفخر موجودات، رحمت عالمیان، صفوت آدمیان و تتمه دور زمان محمد مصطفی (ص) و جدۀ ایشان؛ صدیقه طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، خدیجه کبری و ام‌المؤمنین هستند. پدر حضرت؛ وجه‌الله، عین‌الله نورالله، سرالله، اذن‌الله، باب‌الله، روح‌الله، سیف‌الله، عبدالله، اسدالله الغالب علی ابن ابی طالب (ع) و مادرشان؛ فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهرا است (طبرسی، ۱۴۱۷: ۱/۲۹۰). برادر امام نیز؛ سبط، زکی، مجتبی، سید، تقی، طیب، ولی، کریم آل محمد (ص) امام حسن (ع) هستند.

مناقب نزد خدا و رسول خدا (ص)

مناقب بسیاری برای حضرت سیدالشهداء در کلام حضرت حق، ائمه معصوم،



صالحان و عارفان و حتی دشمنان آن حضرت بیان شده است که بررسی همه آنها مجال این مقاله نیست و به ذکر چند مورد اکتفا می کنیم:

۱- حسین علیه السلام سید جوانان اهل بهشت

احمد بن حنبل در مسند، بیهقی در سنن، طبرانی در اوسط و کبیر، ابن ماجه در سنن، سیوطی در الجامع الصغیر و الحاوای و الخصائص الکبری، ترمذی در سنن، حاکم در مستدرک، ابن حجر در صواعق، ابن عساکر در تاریخ دمشق، ابن حجر عسقلانی در الاصابه، ابن عبدالبر در الاستیعاب، بغوی در مصابیح السنه، ابن اثیر در اسدالغابه، حموی شافعی در فرائد السمطین، ابوسعید در شرف النبوه، محب طبری در ذخائرالعقبی، ابن السمان در الموافقه، نسائی در خصائص امیرالمؤمنین، ابونعیم در حلیه، خوارزمی در مقتل، ابن عدی در کامل، مناوی در کنوزالحقائق، و دیگران از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کردند که فرمودند: «حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشتند». این احادیث به سندهای متعدد از جمعی از صحابه مثل امام علی علیه السلام، ابن مسعود، حذیفه، جابر، ابوبکر، عمر، عبدالله بن عمر، قره، مالک بن الحویرث، بریده، ابی سعید خدری، ابوهریره، اسامه، براء و آنس روایت شده و از مجموع آنها استفاده می شود که صدور لفظ «أَلْحَسَنُ وَ أَلْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» از آن حضرت متواتر و مسلم و در میان مسلمانان معروف و مشهور بوده است (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۱۲). در ترجمه این حدیث برخی گفته اند: فرشته ای از آسمان که مرا زیارت نکرده بود از خدا برای زیارت من اذن خواست، پس به من خبر داد و مژده داد که دخترم فاطمه، سیده زنان امت من است و اینکه حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشتند: «وَأَنَّ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ». و در بعضی روایات این جمله نیز مذکور است: «وَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا؛ و پدرشان از آنها بهتر است» (ابن ماجه، ۱۴۳۵: ۵۶).

۲- حسین محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله

رسول خدا ضمن سخنانی امام حسین علیه السلام را از خودشان و خودشان را از امام

حسین علیه السلام معرفی کرد تا جایگاه برجسته سیدالشهداء را به مسلمانان اعلام نماید و به آنان خاطر نشان کند که او بعدها در همان جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد نشست؛ دوستی او دوستی با پیامبر صلی الله علیه و آله است، و دشمنی با او نیز دشمنی با آن حضرت محسوب می شود تا مبدا افراد منحرفی مانند جنایت کاران عاشورا در جایگاه امام حسین علیه السلام شک و تردید کنند: یعلی عامری گفت: به مجلسی که دعوت بودم رفتم. آنجا حسین علیه السلام را دیدم که با کودکان بازی می کرد. رسول خدا دو دست خویش را باز کرد و حسین علیه السلام را نزد خود فراخواند؛ اما او شروع به دویدن به این طرف و آن طرف کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله از این حرکات می خندید تا آن که سرانجام نوه اش را در بغل گرفت، یک دست را زیر چانه و دست دیگر را پشت سرش قرار داد و ایشان را بوسید و فرمود: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ! أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا! حُسَيْنٌ سَبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ! حسین از من است و من از حسینم! خداوند دوست داشته باشد کسی که حسین را دوست بدارد، حسین سبطی از اسباط است» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۵۲-۵۳). البته در برخی از روایات، بخش اول ماجرا نقل نشده و تنها سخن پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است (همان).

۳- فضیلت دوستی حسین علیه السلام

روایت کرده اند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین را گرفت. پس فرمود: هر کس مرا دوست دارد و این دو و پدر و مادرشان را دوست دارد، در روز قیامت با من و در درجه من خواهد بود» (ترمذی،: ۵/ ۶۵۸). طبرانی از سلمان روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس حسن و حسین را دوست دارد، من او را دوست می دارم و هر کس را من دوست دارم خدا او را دوست دارد؛ هر کس که خدا او را دوست دارد او را داخل بهشت کند. هر کس آنها را دشمن بدارد یا بر آنها ستم کند من او را دشمن دارم. هر کس را من دشمن دارم خدا دشمن دارد و او را داخل جهنم سازد و از برای او عذاب جاودان است» (متقی هندی، ۱۴۱۳: ۲۲۲/۶).

۴- شاخه و میوه درخت نبوت

مورخان از جابر روایت کرده‌اند که پیامبر ﷺ فرمود: «یا علی من و تو از یک درختیم. من اصل و ریشه آن درخت و تو فرع آن هستی و حسن و حسین شاخه‌های آن. هرکس به یکی از شاخه‌های آن متعلق شود خدا او را داخل بهشت کند» (طبری، ۱۴۲۸: ۱۲۳). گنجی شافعی از خطیب بغدادی در تاریخ از علی ﷺ روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: «درختی است که من ریشه و اصل آنم و علی فرع آن است و حسن و حسین ثمره و میوه آن و شیعۀ برگ آن هستند. پس آیا بیرون می‌شود از پاکیزه و طیب غیر از طیب و پاکیزه؟» (میوه و برگ درخت پاک، پاک است).

آنچه بیان شد قسمتی از فضائل حضرت اباعبدالله است که مورد تأیید و تأکید برادران اهل سنت بوده و برآن در کتاب‌های فقهی و تاریخی خود صحنه گذاشتند و گرنه نوشتن مناقب و فضائل حضرت نیازمند نوشتن هزاران صفحه است و شاید بتوان گفت اگر تمام درختان عالم کاغذ و تمام آب‌های عالم مرکب شوند نتوانند قسمتی از مناقب آن حضرت و مصیبت وارده بر اهل بیت رسول خدا را بنویسند.

درخواست امام سجاد ﷺ از یزید

هنگامی که یزید قصد داشت تا کاروان اسیران را روانه مدینه کند؛ امام سجاد ﷺ را خواست و گفت آن سه خواسته‌ای که من وعده داده بودم آنها را انجام دهم بیان کن. امام ﷺ فرمود: درخواست اول من آن است که یک بار دیگر چهره آقا و مولایم حسین ﷺ را ببینم، تا از او توشه بردارم و از وی خداحافظی کنم؛ درخواست دوم من آن است که هر چه از ما به غارت برده‌اند را، به ما برگردانند؛ درخواست سوم من آن است که اگر می‌خواهی مرا به قتل برسانی، کسی را با این زنان همراه کن تا آنها را به حرم جدشان (مدینه) برساند.

یزید در آن لحظه خواسته اول امام ﷺ را نپذیرفت و در پاسخ به خواسته دوم گفت: اما اموالی که از شما گرفته شد، به عوض آنها چند برابر به شما خواهم داد و اما پاسخ خواسته سوم آنکه من تو را به قتل نمی‌رسانم و جز تو کسی این زنان را به مدینه نخواهد رساند.



امام علیه السلام فرمود: «ما نیازی به مالت نداریم و آنها ارزانی خودت باد. درخواست من آن است که آنچه از ما به غارت برده شد، به ما بازگردانند، زیرا در میان آن اموال دوک ریسندگی، مقنعه، گردنبند و پیراهن حضرت فاطمه (س) بود... لَانْ فِيْهِ مَغْزَلُ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَ مِقْنَعُهَا، وَ قِلَادَتُهَا، وَ قَمِيصُهَا. آنگاه یزید دستور داد اموال غارت شده را برگردانند و خودش نیز دویست دینار بر آن افزود. امام چهارم علیه السلام آن دویست دینار را گرفت، و میان فقرا تقسیم کرد (سید بن طاووس، ۲۲۴). همچنین نقل شده است که هنگام حرکت کاروان اهل بیت از شام، یزید دستور داد محمل‌ها را زینت کنند و اموال فراوانی به خاندان حرم حسینی بدهند و آنگاه به ام‌کلثوم (س) گفت: این اموال را در برابر مصیبت‌هایی که به شما رسیده، بردارید. ام‌کلثوم (س) فرمود: ای یزید چقدر تو بی‌حیا و بی‌شرمی! برادرم و اهل بیت ما را به قتل می‌رسانی و در مقابل به ما اموالی می‌دهی (تا آن را جبران کنی، هرگز چنین نخواهد بود) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۴/۴۳).

پیراهن خونین حسین علیه السلام؛ مظهر عدالت‌خواهی

در خصوص دادخواهی حضرت صدیقه طاهره (س) برای پیراهن خونین امام علیه السلام به نقل احادیث و روایات ذکر شده، می‌پردازیم و سپس برکات این پیراهن در خصوص شفاعت برای مومنین، یاران و عاشقان امام علیه السلام اشاره خواهیم کرد.

۱- قال رسول الله

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «تُحْشَرُ فَاطِمَةُ وَ تُخْلَعُ عَلَيْهَا الْحُلَّةُ وَ هِيَ آخِذَةٌ بِقَمِيصِ الْحُسَيْنِ مُلَطَّخٌ بِالْدَّمِ وَ قَدْ تَعَلَّقَتْ بِقَائِمِ الْعَرْشِ تَقُولُ رَبِّ احْكُمْ بَيْنِي وَ بَيْنَ قَاتِلِ وَلَدِي الْحُسَيْنِ؛ دخترم فاطمه محشور می‌شود در حالی که خلعت‌های بهشتی بر ایشان پوشانده شده و پیراهن آغشته به خون حسین را به قائمه عرش می‌آویزد و عرض می‌کند بارالها حکم فرما بین من و بین قاتل فرزندم حسین» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۸).

۲- قال محمد بن جعفر علیه السلام

امام باقر علیه السلام به روایتی عجیب از برخورد حضرت زهرا (س) با قاتلان فرزندش

حسین (علیه السلام) در عرصه قیامت اشاره می فرماید: قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ثُمَّ أَمَرَ مُنَادِيًا فَنَادَى غَضُوبًا أَبْصَارَكُمْ وَ نَكَّسُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ ص الصِّرَاطَ قَالَ فَتَغْضُ الْخَلَائِقُ أَبْصَارَهُمْ فَتَأْتِي فَاطِمَةُ (علیه السلام) عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نُجَبِ الْجَنَّةِ يُشَيِّعُهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَتَقِفُ مَوْقِفًا شَرِيفًا مِنْ مَوَاقِفِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَنْزِلُ عَنْ نَجِيبِهَا فَتَأْخُذُ قَمِيصَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع بِبِدْهَا مُضَمِّخًا بِدَمِهِ وَ تَقُولُ يَا رَبِّ هَذَا قَمِيصُ وَلَدِي وَ قَدْ عَلِمْتَ مَا صُنِعَ بِهِ فَيَأْتِيهَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَا فَاطِمَةُ لَكَ عِنْدِي الرِّضَا فَتَقُولُ يَا رَبِّ انْتَصِرْ لِي مِنْ قَاتِلِهِ فَيَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى غُنْفًا مِنَ النَّارِ فَتَخْرُجُ مِنْ جَهَنَّمَ فَتَلْتَقِطُ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیه السلام) كَمَا يَلْتَقِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ ثُمَّ يَعُودُ الْغُنْفُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ فَيُعَذِّبُونَ فِيهَا بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ ثُمَّ تَرْكَبُ فَاطِمَةُ (علیه السلام) نَجِيبَهَا حَتَّى تَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَ مَعَهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُشَيِّعُونَ لَهَا وَ ذُرِّيَّتُهَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ أَوْلِيَائُهُمْ مِنَ النَّاسِ عَنْ يَمِينِهَا وَ شِمَالِهَا (بحرانی، ۱۴۳۱: ۹۲۲/۱۱).

حضرت فرمود: چون روز قیامت شود، خداوند تمامی اولین و آخرین را در سرزمین واحدی گرد آورد، سپس منادی را فرمان دهد و او صدا زند: چشمانتان را فرو خوابانید و سرهای خود را به زیر اندازید تا فاطمه دخت محمد از صراط عبور کند. فرمود: پس تمام آفریدگان چشمان خود را فرو خوابانند و فاطمه (س) در حالی که بر مرکبی از مرکب های بهشتی سوار شده و هفتاد هزار فرشته وی را مشایعت می کنند، وارد صحنه محشر شود، سپس در جایگاهی شریف از جایگاه های قیامت توقف کند و از مرکبش فرود آید و پیراهن خون آلود حسین بن علی (علیه السلام) را به دست گیرد و گوید: ای پروردگار من، این پیراهن فرزند من است و تو می دانی که با او چه ها شد! از جانب خداوند عزوجل ندا آید: ای فاطمه، من خرسندی تو را خواهم. عرض می کند: ای پروردگار من، برای من از قاتلش انتقام بگیر. خداوند به پاره ای از آتش فرمان داد، از دوزخ بیرون آمده و تمام کشتندگان حسین بن علی (علیه السلام) را مانند پرنده ای که دانه از روی زمین برمی چیند می رباید، سپس همه را به سوی آتش می برد، و آنان در آتش به انواع عذاب مغذوب شوند. آنگاه فاطمه (س) بر مرکب خود سوار می شود و در حالی که فرشتگان مشایعت کننده با او هستند و فرزندان آن حضرت از جلو و دوستان فرزندان از طرف راست و چپ وی هستند، داخل بهشت می شود (همان، ۹۲۲/۱۱).

۳- قال علی بن موسی الرضا علیه السلام

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا بِالْمَدِينَةِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَتِسْعِينَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ تَحْشَرُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَعَهَا ثِيَابٌ مَصْبُوعَةٌ بِالْدِّمَاءِ [بِدَمِ الْحُسَيْنِ] تَتَعَلَّقُ بِقَائِمَةٍ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ تَقُولُ: يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ [يَا عَدْلُ يَا جَبَّارُ] احْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ قَاتِلِ وَلَدِي قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: وَ يَحْكُمُ لَابْنَتِي فَاطِمَةَ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ؛ امام رضا علیه السلام از رسول خدا چنین روایت فرمود: دخترم فاطمه (س) روز قیامت در حالی وارد صحرای محشر می شود که لباس هایی غرقه به خون [سیدالشهداء] همراه خود دارد. پایه ای از پایه های عرش را می گیرد و می گوید: ای خدای احکم الحاکمین! بین من و قاتل فرزندم حکم کن... قسم به خدای کعبه [آن روز پروردگار عادل] به نفع دخترم قضاوت خواهد کرد (صدوق، ...: ۱۱/۲).

همچنین امام رضا علیه السلام از اجداد طاهریش روایت کرده است: «تَحْشَرُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَعَهَا ثِيَابٌ مَصْبُوعَةٌ بِالْدِّمَاءِ فَتَتَعَلَّقُ [بِدَمِ فَتَتَعَلَّقُ] بِقَائِمَةٍ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ فَتَقُولُ: يَا عَدْلُ [يَا حَكِيمُ] احْكُمْ بَيْنِي وَ بَيْنَ قَاتِلِ وَلَدِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: فَيَحْكُمُ اللَّهُ تَعَالَى لَابْنَتِي وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَغْضَبُ بِغَضَبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا؛ روز قیامت دخترم فاطمه در حالی محشور می شود که لباس های خون آلودی با وی خواهد بود. آنگاه یکی از پایه های عرش را می گیرد و می گوید: ای خدای عادل! بین من و قاتل فرزندانم حکم کن! پیامبر اکرم فرمود: به حق خدای کعبه سوگند که خداوند برای دخترم قضاوت می کند، و خداوند برای غضب فاطمه غضب می نماید و با رضایت او راضی می گردد» (همان، ۱۱/۲).

۴- قال جعفر بن محمد علیه السلام

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ثُمَّ أَمَرَ مُنَادِيًا فَنَادَى غَضُوا أَبْصَارَكُمْ وَ نَكِسُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى



تَجَوَزَ فَاطِمَةُ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ الصِّرَاطَ قَالَ فَتَغُصُّ الْخَلَائِقُ أَبْصَارَهُمْ فَتَأْتِي فَاطِمَةُ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نُجُبِ الْجَنَّةِ يُشِيعُهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَتَقِفُ مَوْقِفًا شَرِيفًا مِنْ مَوَاقِفِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تَنْزِلُ عَنْ نَجِيبِهَا فَتَأْخُذُ قَمِيصَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بِيَدِهَا مُضَمَّخًا بَدَمِهِ وَتَقُولُ يَا رَبِّ هَذَا قَمِيصُ وَلَدِي وَ قَدْ عَلِمْتَ مَا صُنِعَ بِهِ فَيَأْتِيهَا الْبَدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَا فَاطِمَةُ لَكَ عِنْدِي الرِّضَا فَتَقُولُ يَا رَبِّ أَنْتَصِرْ لِي مِنْ قَاتِلِهِ فَيَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى غُثًّا مِنَ النَّارِ فَتَخْرُجُ مِنْ جَهَنَّمَ فَتَلْتَقِطُ قَلَّةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ كَمَا يَلْتَقِطُ الطَّيْرُ الْحَبَّ ثُمَّ يَعُودُ الْعُنُقُ بِهِمْ إِلَى النَّارِ فَيُعَذِّبُونَ فِيهَا بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ ثُمَّ تَرْكَبُ فَاطِمَةُ نَجِيبَهَا حَتَّى تَدْخُلَ الْجَنَّةَ وَمَعَهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُشِيعُونَ لَهَا وَ ذُرِّيَّتُهَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ أَوْلِيَائُهُمْ مِنَ النَّاسِ عَنْ يَمِينِهَا وَ شِمَالِهَا» (مفيد، ۱۳۶۴: ۱۳۰). امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که روز قیامت شود خدای توانا خلق اولین و آخرین را در یک زمین جمع می‌کند. آنگاه منادی ندا می‌نماید: چشمان خود را ببندید و سرهای خود را به زیر افکنید تا فاطمه دختر حضرت محمد عبور کند. مردم چشمان خود را می‌بندند و حضرت فاطمه در حالی که بر یکی از ناقه‌های بهشتی سوار است می‌آید و تعداد هفتاد هزار ملک آن بانوی با عظمت را مشایعت می‌نمایند. آنگاه آن حضرت در یکی از مکان‌های شریف قیامت توقف می‌کند و پیراهن امام حسین را به دست می‌گیرد در حالی که به خون آغشته است و می‌گوید: بار خدایا، این پیراهن فرزند من حسین است، تو می‌دانی با او چه کردند. بعد از این جریان از طرف خدا خطاب می‌رسد: رضای من از آن توست. حضرت زهرا خواهد گفت: پروردگارا انتقام مرا از قاتلین فرزندم بگیر. خدای قهار دستور می‌دهد: هیمنه‌ای از آتش جهنم بیرون می‌آید و کشندگان امام حسین را نظیر مرغی که دانه برچیند از صحرای محشر می‌رباید و به طرف دوزخ بازمی‌گردد و آنان را دچار انواع عذاب می‌نماید. سپس فاطمه بر ناقه خویش سوار می‌شود و داخل بهشت می‌گردد. ملائکه‌ای که آن حضرت را مشایعت می‌کردند و فرزندان بزرگوار حضرت زهرا نزد آن بانو خواهند بود و دوستان ایشان طرف راست و چپ حضرت زهرا قرار می‌گیرند (همان، ۱۳۰).

همچنین از امام صادق (ع) روایت شده است که فاطمه (س) را در روز قیامت در قبه‌ای از نور می‌نشانند. در این هنگام، امام حسین (ع) به محشر می‌آید، در حالی که سر

بریده‌اش را به دست می‌گیرد. فاطمه(س) از دیدن چنین حالی صیحه می‌کشد و می‌افتد و تمام پیامبران و خلایق دیگر، از دیدن چنین وضعی به گریه می‌افتند، سپس قاتلین امام حسین(ع) حاضر و محاکمه می‌گردند و آنگاه به کیفر شدیدی می‌رسند... (صدوق، ۱۳۶۸: ۲۲۷/۱) و در حدیث دیگری از طریق ابان بن عثمان از امام صادق(ع) نقل شده: چون فاطمه(س) به محشر آید، پیراهن خون‌آلود امام حسین(ع) را به دست گرفته، عرض می‌کند: خدایا! این پیرهن خون‌آلود حسین من است و تو خود می‌دانی چه جنایاتی در مورد او مرتکب شده‌اند. خطاب می‌رسد: یا فاطمه! تو در نزد من محبوبی هر چه می‌خواهی بگو. عرض می‌کند: الهی! انتقام خون حسین را بگیر. در این حال آتش جهنم بر قاتلین امام حسین مسلط می‌گردد و با انواع عذاب به کیفر می‌رساند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۴/۴۳).

۵- صاحب حاویه

صاحب حاویه گوید که فاطمه(س) روز قیامت به عرصه قیامت درآید. جامه سبز بر دستی و جامه سرخ بر دستی، فریاد برآورد که: «رب احکم بینی و بین قاتل ولدی». یعنی حکم کن میان من و کشتندگان فرزند من که ایشان را به چه حجت کشتند؛ یکی را به زهر و دیگری را به شمشیر. بدین عبارت: إن فاطمه تجيء يوم القيامة بيدا قميص أخضر، و بأخرى قميص أحمر، فتقول يا رب انتصف من قتله ولدي، لم سم أحدهما و ذبح الآخر فيحكم الله لها أولا يعني الحسن عليه السلام من معاوية و ثانيا من يزيد لعنه الله (طبری، ۱۳۸۳: ۵۱۸).

۶- ذکر صاحب اللطائف

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ تَجِيءُ فَاطِمَةُ وَبِهَا الْيُمْنَى الْحَسَنَ وَبِهَا الْيُسْرَى الْحُسَيْنَ وَ عَلَى كَتِفِهَا الْأَيْمَنُ قَمِيصُ الْحَسَنِ مُلَطَّخٌ بِالسَّمِّ وَ عَلَى الْأَيْسَرِ قَمِيصُ الْحُسَيْنِ مُلَطَّخٌ بِالدَّمِّ فَتَنَادِي وَ تَقُولُ رَبِّ احْكُمْ بَيْنِي وَ بَيْنَ قَاتِلِي وَ لَدَى فَيَأْمُرُ اللَّهُ الرَّبَّانِيَةَ فَيَقُولُ لَهُمْ: (خُدُّوهُ فَعَلُّوهُ)، (وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَىُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ) (مرعشی نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰۴/۲۶).

۷- قال سلیمان بن یسار هلالی

وجد حجر مکتوب علیه:

و قمیصها بدم الحسین ملطخ
و الصور فی نشر الخلائق ینفخ
لا بد أن ترد القیامه فاطم
ویل لمن شفعاؤه خصماؤه

سلیمان بن یسار گوید سنگی یافتند که بر آن نوشته بود: البتّه روز قیامت فاطمه بیاید و پیراهنش آغشته به خون حسین باشد. وای بر کسی که شفیعیان [روز قیامت] دشمن او باشند، در وقتی که صور قیامت دمیده شود (ابن جوزی، ۱۴۱۷: ۲۳۵/۲).

سیر تاریخی پیراهن حضرت سیدالشهداء

۱۰ جمادی الاول؛ تحویل پیراهن امام حسین (ع) به حضرت زینب (س)

در این روز حضرت زهرا (س) پیراهن ابراهیم خلیل الرحمن (ع) را به زینب کبری (س) دادند و فرمودند: «هنگامی که برادرت حسین (ع) این پیراهن را از تو خواست، بدان که ساعتی بیشتر مهمان تو نیست، و سپس به بدترین حالات به دست اولاد زنا کشته می شود». این پیراهن را خداوند در بهشت خلق فرمود و آن را نزد حضرت آدم (ع) به امانت سپرد و بعد از او انبیاء این امانت را حفظ می کردند و در مشکلات با آن به درگاه الهی توسل می جستند، تا به دست پیامبر خاتم (ص) رسید و سپس نزد حضرت زهرا (س) بود. آن حضرت سه روز پیش از شهادت آن را به زینب کبری (س) سپرد، تا در ساعات آخر روز عاشورا آن را به امام حسین (ع) تحویل دهد (مجلسی، ۱۳۹۸: ۴۵/۳).

پیراهن اباعبدالله (ع) نزد امام زمان (ع)

شیخ صدوق، راوندی و بعضی دیگر از بزرگان به نقل از مفضل بن عمرو حکایت کرده اند که امام صادق (ع) فرمودند: چون حضرت ابراهیم (ع) را خواستند داخل آتش بیندازند، جبرئیل امین (ع) پیراهنی از لباس های بهشتی برایش آورد و بر او پوشانید و آتش در مقابلش سرد و بی اثر شد و در آخرین روز حیاتش آن را تحویل حضرت

اسحاق علیه السلام داد و او نیز پیراهن را بر حضرت یعقوب علیه السلام پوشانید که اندازه قامت او بود. هنگامی که حضرت یوسف علیه السلام به دنیا آمد، پدرش آن پیراهن را بر یوسف پوشانید، تا آنجائی که همان پیراهن را توسط برادرانش برای پدر خود - که نابینا گشته بود - فرستاد و او بینا شد و این همان پیراهن بهشتی بود. عرض کردم: اکنون آن پیراهن کجاست و چه خواهد شد؟ فرمود: نزد اهلش می باشد و در نهایت، تقدیم قائم آل محمد علیه السلام خواهد شد. و هنگامی که آن حضرت ظهور کند، آن پیراهن را بر تن مبارک خود می نماید و تمام مؤمنین در شرق و غرب دنیا، هر کجا که باشند بوی خوش آن را استشمام خواهند کرد. و او - امام زمان علیه السلام - در تمام امور وارث تمامی پیامبران الهی است (کلینی، ۱۳۹۴: ۲۳۲/۱).

نتیجه

تاریخ شیعه دارای فراز و نشیب های فراوانی بوده و تلخ کامی های بسیاری بر محبان علی بن ابیطالب علیه السلام روا داشته شده است. آنان در این مسیر همچنان ثابت قدم بوده و بر عقیده بر حق خود مانده و از آن دفاع نموده اند. آنچه باعث غنا و ماندگاری این عقیده شده، واقعه کربلا است که امام حسین علیه السلام به دست افرادی به ظاهر مسلمان در نبردی نابرابر به شهادت رسیدند. آنچه در تاریخ جهان اسلام مکتوب و مورد توجه همه تاریخ نگاران بوده، جایگاه حضرات حسنین در نزد رسول الله است نه از بابت قرابت و خویشاوندی بلکه از حرمت و آبرویی که نزد خداوند تبارک و تعالی داشتند. این موضوع به کرات توسط رسول الله بیان شد اما در واقعه کربلا نه گوش شنوایی بود و نه چشم بینایی؛ آنچه بود زر و سیم و زور که تلخ ترین واقعه جهان رقم خورد. این چنین نخواهند ماند چون خون حسین علیه السلام، خون خدا و نیازمند انتقام و قصاص است که به دست امامی عادل انجام خواهد پذیرفت. در روایات متواتر از ائمه معصومین به نقل از رسول خدا، حضرت صدیقه طاهره (س) بر محشر گذر خواهند کرد و در دست مبارکشان پیراهن خون آلود فرزندش حسین علیه السلام خواهد بود و از خداوند متعال درخواست قصاص و خون خواهی آن حضرت را خواهند کرد هر چند که در مقتل شیخ

طوسی در صفحات ۱۰۶۶-۱۰۷۱ قسمتی از عقوبت دنیوی بیان شده است. پیراهن اباعبدالله هم باعث عذاب و هم باعث رحمت خواهد بود در روز قیامت: الف) عذاب برای قاتلین آن حضرت که با سنگدلی فراوان بر وی و همزمانش آنها را به شهادت رساندند و اهل بیت آن حضرت را به اسارت بردند و باعث بی حرمتی به آنها شدند؛ ب) رحمت واسعه برای یاران اباعبدالله و شیعیان و محبین آن حضرت.

منابع

- ابن جوزی، شمس الدین ابوالمظفر (۱۴۱۷)، تَذَكُّرَةُ الْخَوَاصِّ مِنَ الْأُمَّةِ فِي ذِكْرِ خَصَائِصِ الْأَئِمَّةِ، منشورات سید الرضی ناشر مجمع جهانی اهل البيت.
- ابن شهر آشوب، رشیدالدین (۱۴۳۲ق)، مناقب آل ابیطالب، تحقیق علی السیدجمال اشرف الحسینی، قم، المكتبة الحیدریه.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ش)، کامل الزیارات، به کوشش عبد الحسین امینی، نجف، دارالمرتضویه.
- ابن ماجه، محمد یزید قزوینی (۱۴۳۵)، سنن ابن ماجه، دار إحياء الكتب العربیه.
- آقاجانی قناد، علی (۱۳۸۵ش)، «جریان شناسی سیاسی بنی هاشم پس از قیام عاشورا»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله (۱۴۳۱ق)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۲۷۰ق)، سنن الترمذی، به کوشش احمد محمد شاکر، ناشر دارالحديث.
- خراسانی، امیر (۱۳۹۲)، «فضل تقدم با کیست؟» صفی علی شاه اصفهانی یا عثمان سامانی، متن شناسی ادب فارسی، ش ۲.
- سید بن طاووس، سید رضی الدین علی بن موسی (۶۶۴ق)، أللهوف علی قتلى الطفوف، ترجمه عقیقی بخشایش، نشر نوید اسلام.
- صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین قمی (۳۸۱ق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.

- طبری، محب الدین (۱۴۲۸ق)، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی علیهم السلام، قم، دارالکتاب الإسلامی.
- طبری، عماد الدین (۱۳۸۳ش)، کامل بهائی، تحقیق اکبر صفدر تبریزی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۴)، اصول کافی، ترجمه صادق حسن زاده، تهران، قائم آل محمد.
- کرمانی، علیرضا (۱۳۹۶)، تحلیل عرفانی ابعاد قیام عاشورا با تکیه بر آموزه جمعیت عرفانی مقاله آیین حکمت پاییز ۱۳۹۶ - شماره ۳۳.
- متقی هندی، علاء الدین (۱۴۱۳ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت، انتشارات الرساله.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۸ق)، بحار الدموع فی ایام الاسبوع، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء.
- مرعشی نجفی، نورالله (۱۴۳۷ق)، احقاق الحق وازهاق الباطل، تصحیح سید شهاب الدین مرعشی نجفی و دیگران، مکتبه الاسلامیه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، مرکز احیاء آثار برّ صغیر.
- مفید، ابو عبدالله (۱۳۶۴)، امالی، ترجمه حسین استادولی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه عاشورای ۱۴۱۶ - ۱۹/ خرداد / ۱۳۷۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی